

بررسی علل و انگیزه‌های مؤثر بر ازدواج افراد ۲۵-۴۵ سال شهر بیرجند و رابطه آن با میزان رضایت از زندگی زناشویی در سال ۸۵

محمد مظلوم خراسانی

مهدی قناد

چکیده

مسئله ازدواج و انتخاب همسر و علل و انگیزه‌های سوق‌دهنده مؤثر بر آن، یکی از مسائل اساسی جامعه در حال گذار امروزی ایران است که بدون آگاهی همه‌جانبه درباره چگونگی کمیت و کیفیت آن نمی‌توان نظری کامل و کافی داشت. در این مقاله به بررسی علل و انگیزه‌های مؤثر بر ازدواج افراد و رابطه آن با میزان رضایت از زندگی زناشویی آن‌ها پرداخته شده است. در تبیین علل و انگیزه‌های ازدواج و رضایتمندی از زندگی زناشویی از چارچوب نظری مشتمل بر نظریات و تئوری‌های نیاز، محرومیت نسبی، میدانی لوین، همسان‌همسری، نیازهای مکمل، مبادله، کنش متقابل نمادین و عادت‌واره گیلنر استفاده شده است. نتایج این تحقیق پیمایشی که از یک نمونه ۳۰۰ نفری، به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای و از طریق فرمول کوکران از جامعه آماری ۴۱/۵۵۷ نفری از زوجین ۲۵-۴۵ سال شهر بیرجند انتخاب شده‌اند، نشان می‌دهد که متغیرهای نیاز به انتخاب همسر، فشار محیط در انتخاب همسر، عامل تکمیل‌کنندگی شخصیت، همخوانی عادت‌ها، میزان اهمیت ادراک از پایگاه همسر در هنگام ازدواج و سن همسر، تأثیر معنی‌داری بر رضایت از زندگی زناشویی داشته‌اند. تحلیل چند متغیره نیز نشان می‌دهد که متغیرهای همخوانی عادت‌ها، فشار محیط، ادراک از پایگاه همسر در هنگام ازدواج، تعداد فرزندان و تحصیلات همسر، در جهت مثبت بر رضایتمندی اثر می‌گذارند، یعنی با افزایش آن‌ها (به صورت مرتبط با هم) میزان رضایتمندی نیز افزایش می‌یابد. اما با توجه به علامت منفی ضریب بتا در مورد متغیرهای سن همسر و مدت زمان زندگی مشترک، در صورتی که میزان این متغیرها افزایش یابد (با در نظر گرفتن اثر همه متغیرها) میزان رضایتمندی از زندگی زناشویی کاهش پیدا می‌کند و عکس این رابطه نیز صادق است. در کل، این هفت متغیر توانسته‌اند که ۰/۴۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، همسر، رضایت از زندگی زناشویی، انگیزه، علل مؤثر بر ازدواج.

مقدمه

خانواده در بین تمامی نهادهای اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است، لذا مسائلی که به آن مربوط می‌شود نیز با توجه به جهانی بودن آن اعتبار زیادی دارند. یکی از این مسائل، ازدواج است که پایه و اساس تشکیل خانواده می‌باشد. هم‌اکنون ازدواج با مسائلی چون پایین بودن نرخ وقوع آن، بالا رفتن سن ازدواج، عدم تفاهم زوجین و به دنبال آن گسترش پدیده طلاق (نقطه مقابل پدیده ازدواج)، تغییرات در نگرش‌ها و آمال و آرزوهای افراد در نحوه همسرگزینی و... مواجه شده است. از مسائل قابل توجه در این زمینه که بایستی از طرف زوجین با دقت مورد بررسی قرار گیرد، نحوه انتخاب همسر است.

باتوجه به شرایط جامعه امروز ایران و مسائل و مشکلاتی که در سر راه انجام ازدواج و زناشویی به وجود آمده، توجه به این مسئله و پیامدها و عواقب آن برای افراد از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که اگر این خشت از همان ابتدا کج نهاده شود، دیوار خانواده سرانجام فرو خواهد ریخت. لذا پرداختن به علل و انگیزه‌های سوق‌دهنده به سوی انجام این پیوند از اهمیت به‌سزایی برخوردار خواهد بود؛ به گونه‌ای که اگر توجه واقعی به این عوامل نگردد، مسلماً میزان رضایت طرفین از ازدواج و زندگی زناشویی مطلوب نخواهد بود و بالطبع عواقب خوشایندی را نیز برای این خانواده‌ها نمی‌توان متصور شد.

خالق هستی‌بخش همه پدیده‌های هستی را بر پایه زوجیت آفریده است. در حقیقت می‌توان گفت که اگر ازدواج نبود، خانواده نبود و اگر خانواده نبود، جامعه نبود و اگر جامعه نبود، فرهنگ و تمدن به وجود نمی‌آمد (بیابانگرد، ۱۳۸۱: ۱۵).

در میان پدیده‌های چهارگانه کلاسیک دموگرافیک (تولد، ازدواج، طلاق و مرگ) ازدواج جایگاهی خاص دارد؛ زیرا از طرفی نه مثل تولد و مرگ پدیده‌ای خارج از اختیار و تصمیم‌گیری انسان است و از طرف دیگر نه مثل طلاق پدیده‌ای است که فراوانی وقوع کمتری دارد. همه‌آحاد جامعه در سنین متفاوت آن را تجربه می‌کنند و هم مسئله‌ای است که همانند تولد و مرگ اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. هرچند که عوامل تعیین‌کننده زیادی در شکل‌گیری آن سهمند که در موارد زیادی فرد کنترلی بر روی آن‌ها ندارد (محسنی، ۱۳۸۲: ۵۳).

بیان مسئله

در تحقیق حاضر قصد بر آن است که علل و انگیزه‌های سوق‌دهنده و مؤثر بر افراد در انجام ازدواج آن‌ها را بررسی کنیم، و رابطه آن را با میزان رضایت از زندگی زناشویی مورد سنجش قرار دهیم. به بیان دیگر برآنیم تا مشخص سازیم افراد در انتخاب فرد مورد نظر خود برای ازدواج، تحت هدایت و یا فشار چه عواملی قرار داشته‌اند و این که آیا این عوامل نقشی در رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی‌شان ایفا کرده است یا خیر؟ انتخاب شریک در زندگی مستلزم آگاهی به مسائلی است که گاهی کم‌توجهی به آن‌ها عواقب ناخوشایندی را برای زوجین و خانواده به همراه داشته است.

از آن جمله شاهدیم که افرادی مطابق میل خود به این راه گام نمی‌نهند و عواملی بر آن‌ها مؤثرند که فشار آن عوامل سوق‌دهنده آن‌ها به این جهت است. دیده می‌شود که افرادی به صرف بالا رفتن سنشان، یا به‌خاطر حرف‌هایی که پشت سر آن‌ها در جمع اقوام و خویشاوندان زده می‌شود یا برای راضی کردن پدر و مادر خود دست به این اقدام زده‌اند، یا چون نگاه جامعه به مجرد، نگاهی توأم با گناه است، مجبور به ازدواج شده‌اند. از طرف دیگر، گاهی شخص به‌خاطر به‌دست آوردن مزایایی که اکثراً جنبه مادی در آن بارز است، تشویق به ازدواج شده است و در راه ازدواج به‌جای ملاک‌ها و عوامل اصلی، چشم به فاکتورهای دیگر از جمله دارایی و مال و منال همسر یا والدین او یا پایگاه اجتماعی آن‌ها داشته است. این جنبه از مسئله با توجه به پدیده چشم و هم‌چشمی رایج در جامعه ما مقوله مهمی به نظر می‌رسد. در مواقعی فشار عرف و هنجارها سوق‌دهنده این امر شده‌اند. در برخی موارد رهایی از صفات ناپسند فردی و تکمیل شخصیت مؤثر واقع شده‌اند. گاهی اهدافی چون کسب پایگاه اجتماعی برتر و به دست آوردن مرتبه اجتماعی بالاتر در بین دوستان، اقوام و همکاران، محرک بوده‌اند. به‌رحال بررسی علل و انگیزه‌هایی که سبب انجام ازدواج گشته‌اند، در نوع خود حائز اهمیت بسیاری است؛ به گونه‌ای که بسیاری از کشمکش‌ها و درگیری‌های زوجین امروزی ناشی از همین عوامل است. این عوامل سوق‌دهنده، گاهی بسیار کم‌اهمیت و یا بی‌اهمیت‌اند و یا به تنهایی ارزش چندانی ندارند اما فرد بر آن‌ها تأکید زیادی دارد و در نتیجه انتخاب صحیحی انجام نمی‌دهد، مثلاً اگر ازدواج به‌صرف ارضای غرایز جنسی باشد و دیگر جنبه‌های آن مدنظر نباشد، هدفی کوتاه‌مدت خواهد بود که هیچ ضمانتی برای تداوم ازدواج به همراه نمی‌آورد. یا اگر عوامل مادی به تنهایی مدنظر قرار داشته باشند و از توجه به عوامل معنوی و انسان‌ساز در ازدواج غفلت شود، مسئله به همین منوال خواهد بود. همچنین اگر تصور شود که ازدواج راهی

است که پیمودن آن اجباری است، پیامدها و فواید آن از قبیل مسئولیت‌پذیری و تکامل روحی زیر سؤال خواهد رفت. اما برخی عوامل سوق‌دهنده از اهمیت بسیاری برخوردارند که برقراری روابط عاطفی صحیح، رسیدن به استقلال و خودکفایی، تولد فرزندان و بقای نسل، و تکمیل و تکامل از آن جمله‌اند. به‌طور یقین بررسی این عوامل سبب می‌شود معیاری صحیح برای انتخاب در ازدواج به‌دست آید که برای دیگران هم در انتخاب آن‌ها راهنما خواهد بود. شناسایی عوامل حقیقی و واقعی از عوامل کاذب و دروغین گامی در جهت ازدواج کامل و ثمربخش در حیات انسانی است. رضایت از زندگی زناشویی به میزان زیادی بستگی به دقت نظر در انتخاب همسر و نگاه واقع‌بینانه به ازدواج دارد. بسیاری از ناخوشایندی‌ها در زندگی زوجین حاصل بی‌توجهی به این مقوله مهم در ازدواج است. ازدواج صحیح حاصل روندی است که هر یک از زوجین فهم عمیقی از ذهن همدیگر داشته باشند.

لازم به ذکر است در تحقیق حاضر صرفاً عوامل سوق‌دهنده و مؤثر بر فرد ملاک نظر بوده‌اند، نه عواملی که بازدارنده ازدواج به حساب می‌آیند.

اهداف تحقیق

در تحقیق حاضر اهداف اصلی زیر مد نظر بوده‌اند:

۱. شناسایی علل و انگیزه‌های مؤثر بر انتخاب همسر و ازدواج؛
۲. شناسایی قوت و ضعف علل و انگیزه‌های مؤثر بر انتخاب همسر و ازدواج؛
۳. سنجش میزان رضایتمندی افراد از زندگی زناشویی و نحوه ارزیابی همسر توسط شریک زندگی؛
۴. بررسی رابطه میان این علل و انگیزه‌ها و نقش آن‌ها در رضایت از زندگی زناشویی.

تعاریف نظری مد نظر از مفاهیم تحقیق

ازدواج: در تحقیق حاضر ما تعریفی از ازدواج را مد نظر داریم که از ویژگی‌های تخالف جنسی و نوعی قرار داد اجتماعی مورد تأیید شرع و قانون برخوردار باشد. بنابراین ازدواج را نوعی پیوند شرعی و قانونی بین زن و مرد است که مورد پذیرش جامعه و هدف از آن تکامل روانی و رسیدن به کمال شخصیت در ابعاد مادی و معنوی می‌باشد.

رضایتمندی زناشویی: رضایت (satisfaction) خوشایندی برآمده از آگاهی به یک وضعیت راحت است که معمولاً با ارضای بعضی تمایلات خاص پیوند خورده است (مهدوی به نقل از دائرةالمعارف فلسفه و روانشناسی، ۱۳۷۵: ۱۶).

آلیس (۱۹۸۹) به نقل از فرطوسی یکی از مهم‌ترین تعاریفی را که درباره رضایت زناشویی توسط هاکیتز ارائه شده است، این‌گونه بیان می‌کند: «احساسات عینی از خوشنودی، رضایت و لذت تجربه‌شده توسط زن یا شوهر، موقعی که همه جنبه‌های ازدواجشان را در نظر می‌گیرند» (مرادی، ۱۳۸۳: ۶۲).

در این تحقیق مراد از رضایت از زندگی زناشویی، رضایت از آن جنبه‌های زندگی بوده است که در ارتباط با فعالیت‌های زوجین در زندگی زناشویی و نحوه انتخاب همسرشان مورد توجه افراد قرار داشته است. به عبارت دیگر، در جستجوی فهم رضایت از آن وجه از زندگی بوده‌ایم که مؤثر در خوشایندی و آگاهی از احساس آرامش به‌عنوان ثمره‌ای از نحوه انتخاب همسر در میان افراد جامعه آماری بوده است. رضایت از زندگی زناشویی واکنش عاطفی فرد نسبت به ازدواج خود است که ناشی از مقایسه نتایج ازدواج خود با آن مواردی است که قبل از ازدواج مد نظرش بوده است، یعنی مشخصاً به دنبال این بوده‌ایم که درجه احساس خوشایندی از زندگی زناشویی افراد، صرفاً در ارتباط با سطح برآورده شدن عواملی که در انتخابشان تأثیر داشته است، سنجش شود.

انگیزه درباره انگیزه به طور کلی چنین می‌اندیشند که سرچشمه‌های ذهنی اعمال آدمی بوده‌اند که در ساختار روانی یا ارگانیک فرد جای گرفته‌اند (گرت و میلز، ۱۳۸۰: ۱۶۲).

آن طور که ماکس وبر می‌گوید، از لحاظ جامعه‌شناسی، «انگیزه» اصطلاحی است که به نظر فاعل و یا ناظر فعل او دلیل قانع‌کننده‌ای برای رفتارش باشد (همو: ۱۶۳).

هرسی و بلاچارد، انگیزش را اراده و میل به انجام دادن کار تعریف کرده‌اند. برای آنان انگیزه‌ها چراهای رفتارند که نه تنها به آغاز و استمرار فعالیت در آدمی کمک می‌کنند، بلکه در تعیین جهات کلی رفتار نیز نقش دارند (هرسی و بلاچارد، ۱۳۷۳: ۱۸).

پیشینه تحقیق

با نگاهی به تحقیقات انجام شده در زمینه علل ازدواج و رضایتمندی از آن، این مطلب به وضوح قابل درک است که بسیاری از این تحقیقات به ازدواج از بعدی محدود نگریسته‌اند. به عنوان مثال معیارهای همسرگزینی فقط از جنبه شناختی یا مذهبی بررسی گردیده‌اند و به دیگر جهات توجهی نشده است. لذا انجام تحقیقاتی که بعد وسیع‌تری را پوشش دهند، ضروری به نظر می‌رسید. از طرف دیگر می‌توان ادعان داشت که اکثر تحقیقات در زمینه جنبه‌های مختلف موضوع ازدواج، جامعه آماری خود را از میان مجردین انتخاب کرده‌اند. اما پژوهشی که درباره متأهلین و کسانی که زوج خود را انتخاب کرده‌اند صورت گرفته باشد، کمتر انجام گرفته است.

در پژوهش و تحقیق محمدصادق مهدوی که طرح پژوهشی برای دانشگاه شهید بهشتی تهران بوده است، محقق در سال ۱۳۷۴ «عوامل مؤثر بر رضایت زن و شوهر» را در شهر تهران مورد مطالعه قرار داده است. رضایت در دو بعد اقتصادی و اجتماعی سنجیده شده است. نارضایتی زن و شوهر از همدیگر بیشتر مربوط به ابعاد اقتصادی و مخصوصاً در موارد پس انداز و مسکن بوده است، در حالی که رضایت زن و شوهر از همدیگر بیشتر مربوط به احترام و رفت و آمد متقابل با خانواده همسر، و مشورت و قدردانی از همدیگر بوده است. در مجموع ۴۱/۷ درصد از همسرخویش خیلی راضی و ۱۷/۱ درصد خیلی ناراضی بوده‌اند. متوسط کل رضایت در بین مردان بیشتر از متوسط کل رضایت در بین زنان بوده است. از بین کلیه متغیرهایی که وارد رگرسیون چندمتغیره شده‌اند، خصوصیات موجود همسر، تحقق آرزوها، درآمد همسر، درآمد پاسخگو، تعداد فرزند، تحصیلات همسر و توافق ارزشی رابطه معنی‌داری با رضایت زناشویی داشته‌اند.

«سنجش نگرش پسران مجرد ۲۹-۲۰ سال شهرستان مشهد به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن» عنوان کار تحقیقی مسعود ایمانیان اردبیلی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد است. محقق با توجه به نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که نگرش پاسخگو به زن، ناتوانی مالی خانواده پاسخگو، و رضایت پاسخگو از زندگی، بیشترین تأثیر را بر نگرش به ازدواج داشته‌اند و ۳۷٪ واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. در مطالعه مریم اسکافی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش افراد متأهل نسبت به همسان‌همسری، مطالعه موردی شهر شیراز» در مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی در میان ۴۰۰ نفر، متغیرهای مدت ازدواج، میزان رضایت کلی از زناشویی، تقدیرگرایی، منابع اطلاعاتی زوجین، فاصله سنی زوجین، میزان همکاری مرد در خانه، نحوه تربیت فرزندان، درآمد ماهیانه خانوار، میزان آگاهی زوجین به حقوق همدیگر، بر روی نگرش

افراد متأهل نسبت به همسان‌همسری مورد مطالعه قرار گرفته و موثر شناخته شده‌اند. در تجزیه و تحلیل چندمتغیره، متغیرهای میزان دخالت والدین، مدت ازدواج، میزان رضایت کلی از زندگی زناشویی، درآمد ماهیانه خانوار و شغل پدر شوهر وارد معادله شده‌اند و ۲۳٪ تغییرات را توضیح داده‌اند.

در کار علی‌اکبرحق دوست و همکاران با عنوان «نگرش دانشجویان دانشکده علوم پزشکی کشور نسبت به عوامل مؤثر بر ازدواج در سال ۷۴» با توجه به تغییرات فرهنگی به بررسی معیارهای فرهنگی مؤثر بر همسرگزینی پرداخته شده است. نتایج تحقیق بدین قرار بوده است: در زمینه سن پیشنهادی ازدواج بین زنان و مردان تفاوت آماری معناداری وجود داشته است. هر دو جنس وجود دوره نامزدی را لازم دانسته‌اند، مهم‌ترین انگیزه ازدواج در جوانان چه پسر و چه دختر احساس شدید روانی به داشتن همراز است. انگیزه مهم دیگر در مردان، پیشگیری از آلوده شدن به مفاسد اجتماعی و اجرای دستورهای الهی بوده است، اما دومین انگیزه در زنان همان گریز از تنهایی است.

در تحقیق لیلیا فیض‌آبادی با عنوان «بررسی تمایز بین آرمان‌های زناشویی به هنگام ازدواج و واقعیت و کنکاش پیرامون علل و عوامل و تبعات آن» محقق به بررسی تحقق ایده‌آل‌های زناشویی با واقعیت‌های رخ داده در امر ازدواج پرداخته است. این تحقیق در مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران به انجام رسیده است. نتایج حاکی است که افراد مورد مطالعه در ایده‌آل‌های خود همسانی خصوصیات اجتماعی را مد نظر داشته‌اند. نیز افراد مورد مطالعه به لحاظ خصوصیات شخصیتی تکمیل‌کنندگی صفات خود را در ایده‌آل‌های خود داشته‌اند و شرایطی در انتخاب همسر پدیدار شده که تحقق ایده‌آل‌های او را تحت تأثیر قرار داده است.

علی‌رغم فزونی طلاق در جامعه ایران در چندین سال گذشته، تحقیقات در خارج ایران از فزونی میزان شیوع ناسازگاری زوجین گزارش می‌دهد. میزان ناسازگاری زناشویی رو به گسترش است. در گزارشی از وضعیت زندگی زناشویی در آمریکا، نسبت کودکان خانواده‌های دارای دو والد از ۸۸٪ به ۶۸٪ کاهش یافته است (آرتور و میلر، ۱۹۹۲: ۱۳).

با توجه به بالا رفتن آمار طلاق در چندین سال گذشته در جامعه ایران، به نظر می‌رسد که توجه اصولی و بنیادین به امر ازدواج به‌عنوان راه حلی در کاهش این آمار می‌تواند مطرح باشد.

تشبیه ازدواج به هنگام و رضایتمندی حاصل از آن به قانون دوم نیوتن

بر اساس قانون دوم نیوتن، نیرویی که به جسمی وارد شود برابر است با حاصل ضرب جرم آن جسم در

$$F = m \times a$$

شتاب آن. به تعبیر ریاضی:

بنابراین شتابی که یک جسم دارد، متناسب با نیرویی است که به آن وارد می‌شود.

حال اگر جوانی را که به ایده آل‌های ازدواج نزدیک شده (فارغ از سن او)، به آن جسم تشبیه کنیم، و همسری را که قرار است با توجه به ملاک‌های عقلانی با او ازدواج نماید، نیروی وارده بر او بدانیم، به یقین شتاب زندگی جوان افزایش خواهد یافت.

بر اساس قانون دوم نیوتن اگر به گلوله‌ای (چه در حال سکون باشد و چه با سرعتی مشخص حرکت کند)، نیرویی در جهت حرکت آن وارد شود، مثلاً گلوله‌ای دیگر به سمت آن پرتاب شود، با شتاب بیشتری به حرکت خود ادامه می‌دهد. گاه اگر گلوله اول در حال سکون باشد و به تعبیر دیگر شتاب آن صفر باشد، نه تنها شاهد حرکت آن خواهیم بود، بلکه آن گلوله به سمت جلو پرتاب خواهد شد. بنابراین ازدواج راستین نه تنها جوان را از تأثیرات سوء روانی دور می‌سازد، بلکه جهشی عظیم در زندگی او ایجاد خواهد کرد. لذا اگر انتخاب همسر با دیدی باز و با شناخت کافی صورت گیرد، نه تنها فرد احساس خوشایندی خواهد داشت، بلکه شاهد دگرگونی شگرفی در زندگی و اهداف خود خواهد بود. برقراری روابط عاطفی صحیح، رسیدن به استقلال و خودکفایی، تولد فرزندان و بقای نسل، کسب مسئولیت‌پذیری بیشتر در کار و زندگی، تکمیل و تکامل روحی و روانی و شخصیتی، سلامت و امنیت روانی و اجتماعی، دوستی و بالآخره عشق، منتج از این جهش است.

اکنون اگر این گلوله را در زمینی تصور نماییم که بر اثر شرایط بد جوی مرطوب شده است، پس از مدتی گلوله بر اثر وزن خود در آن فرو خواهد رفت. در چنین حالتی اگر گلوله‌ای دیگر را به سمت آن پرتاب کنیم، نه تنها حالت پرتاب قبلی رخ نمی‌دهد، بلکه احتمال این که گلوله به درون خاک فرو رود، زیاد است. مصداق عینی این مثال را در جامعه می‌توانیم جوانانی قلمداد نماییم که در شرایط آرمانی برای ازدواج قرار دارند، اما نمی‌توانند اقدام به ازدواج نمایند.

در وضعیت کنونی کشور ما و با توجه به تغییرات حاصل شده در فضای اجتماعی زندگی جوانان که به دلیل ظهور شرایط جدیدی چون اینترنت و عدم استفاده صحیح از آن؛ سی‌دی‌های مستهجن و مقوله تهاجم

فرهنگی فضایی تماماً سالم نیست؛ جوان هر روزه در معرض وسوسه‌های شیطانی گوناگونی قرار دارد. از این رو اگر ازدواج نکند و مدام تحت فشار عوامل تحریک‌کننده غریزه جنسی باشد، پس از گذشت زمانی، دیگر آن نشاط ناب جوانی خود را از دست خواهد داد، درست همانند میوه‌ای رسیده که اگر آن را از درخت نچینیم، به زمین خواهد افتاد و پس از مدتی هم خواهد پوسید، به نحوی که دیگر چسباندن میوه به درخت کاری عبث و بیهوده خواهد بود. بنابراین احتمال این که این جوان در صورت ازدواج به آن جهش عظیم دست یابد، کمتر خواهد بود. وجود معضلاتی چون طلاق و انواع انحرافات جنسی که گریبانگیر جامعه اسلامی ما شده است، خود گواهی بر این مدعی است. تأکید بر این نکته ضروری است که تمام حالات فوق در صورتی به واقعیت نزدیک خواهند بود که اولاً فرد به شرایط روانی-منطقی ازدواج دست یافته باشد و ثانیاً انتخابی را که انجام می‌دهد، گزینه‌ای مطلوب باشد و این میسر نخواهد بود مگر با توجه کافی به علل و انگیزه‌های راستین در امر ازدواج.

دیدگاه‌های صاحب‌نظران درباره علل و انگیزه‌های ازدواج و رضایتمندی

در تبیین علل و انگیزه‌های ازدواج و رضایتمندی از زندگی زناشویی، از چارچوب نظری مشتمل بر نظریات و تئوری‌های نیاز، محرومیت نسبی، میدانی لوین، همسان‌همسری، نیازهای مکمل، مبادله، کنش متقابل نمادین و عادتواره گیدنر استفاده شده است.

نظریات روانشناختی و روان‌شناسی اجتماعی

الف- تئوری نیاز: با احساس کمبود، فعالیت برای رفع نیاز آغاز و پس از برطرف شدن آن سبب ایجاد نوعی حالت خوشایندی در فرد می‌شود. پس ارضاء نیاز، عامل ایجاد رضایت است (مهدوی، ۱۳۷۵: ۲۵). در زمینه نیاز نظریات آبراهام مازلو از اهمیت بیشتری برخوردار است. «شالوده نظریه انگیزش مازلو این است که انسان‌ها در سطح ارگانیزمی از نیازهایی برخوردارند... مازلو تصور می‌کرد که ترتیب این نیازها را به صورت یک سلسله‌مراتب بهتر می‌توان فهمید» (ریو، ۱۳۸۱: ۲۹۵). «بر این اساس، انسان‌ها دارای پنج دسته نیازهای فطری می‌باشند: ۱. نیازهای جسمی؛ ۲. نیاز به ایمنی؛ ۳. نیاز به روابط اجتماعی و محبت؛ ۴. نیاز به تأیید و احترام؛ ۵. نیاز به خویش‌نمایی (رفیع‌پور، ۱۳۷۸ الف: ۴۱).

اگر عامل اصلی تشکیل و تداوم خانواده را ارضای نیازهای انسان در نظر بگیریم، بدیهی است که در صورت ارضاء مطلوب نیازها، خانواده پا برجا می ماند و در غیر این صورت، دچار تزلزل خواهد شد (مهدوی، ۱۳۷۵: ۱۱).

ب- نظریه میدانی لوین: نخستین مفهومی که از نظریه میدانی برمی آید، آن است که رفتار فرد اولاً به ویژگی های شخصی (نظرات، توانایی ها، شخصیت، تندرستی و نظایر آن) و ثانیاً به موقعیت اجتماعی که شخص در آن لحظه در آن قرار گرفته است، مانند حضور دیگران، میزان ممانعت از رسیدن به هدف و... بستگی دارد. وی معتقد است که همه کنش های ما توسط میدانی که در آن قرار داریم، تأثیر می پذیرد. انسان مانند نقطه است که در داخل فضای زندگی خود در حال حرکت است و نیروهایی که در داخل این فضای زندگی وجود دارد، او را به یک طرف می کشند یا از حرکت به طرف دیگر بازمی دارند. لوین حالتی از تعادل بین فرد و محیط را لازم می دانست و بر این باور بود که اگر این تعادل در ارگانسیم به هم بخورد، در او «تنش» به وجود می آید (ستوده، ۱۳۷۹: ۱۳۷).

از نظر لوین، افراد در یک فضای روانی حرکت می کنند، به طوری که قصدها آن ها را فشار می دهند و جاذبه محیطی آن ها را به طرف خود می کشند. لوین انسان ها را به صورت بدن های متحرکی در نظر داشت که به خاطر فشار نیروهای درونی و کشش نیروهای محیطی، در جهت های خاصی حرکت می کنند (ریو، ۱۳۸۱: ۱۶۰).

ج- نظریه همسان همسری: «باور من می گوید: انسان، دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. به گمان لاک و برگس در هر لحظه، بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان گزینانه عمل می کند تا ناهمسان گزین» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۰).

از نظر ویژگی های اجتماعی، عوامل زیرین را به عنوان عامل هایی تعیین کننده پیش نهاده اند: خصوصیات مذهبی، پیشینه خانوادگی، شیوه رفتار و معاشرت در طی دوره جوانی، نوع تلقی در باب ازدواج، درجه شرکت در زندگی اجتماعی، مناسبات با خانواده خویش (همو، ۴۳).

قربت عامل بسیار مؤثری در توسعه روابط اجتماعی است. اگر مردم مشخصاتی دارند که باعث می شود یکدیگر را جلب کنند، قربت این امکان را زیادتر می کند. مردمی که نزدیک هم زندگی می کنند، بیشتر

احتمال دارد که در یک مدرسه درس بخوانند، از یک مغازه خرید کنند، با یک اتوبوس طی طریق نمایند و...» (گود، ۱۳۵۲: ۱۰۴).

د- تئوری نیازهای مکمل: طرفداران پرشور این نظریه در امور ذهنی، وینچ و کتسان هستند» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۲).

«وینچ و دستیارانش معتقدند که درهمسر گزینی، هر فرد در میان افراد واجد شرایط در جستجوی زن یا مردی است که بتواند بیش از دیگران او را ارضاء کند. به این ترتیب کسانی که عاشق هم می‌شوند، به احتمال قوی دارای مشخصات اجتماعی یکسان و احتیاجات روانی مکمل خواهند بود. فرضیه اصلی از این قرار است: «در مورد همسر گزینی الگوی احتیاجات هر همسر متمم و مکمل الگوی احتیاجات همسر دیگر است و نه مشابه آن» (گود، ۱۳۵۲: ۱۱۶-۱۱۳).

نظریات جامعه‌شناختی

الف- احساس بی‌عدالتی: هوندیش احساس بی‌عدالتی را یکی از مهم‌ترین دلایل به‌وجود آمدن نیازها می‌داند. از آنجایی که امکانات جامعه برای ارضای نیازهای متعدد و متنوع محدود است و از سوی دیگر توزیع امکانات یکسان نمی‌باشد، در نتیجه زمینه برای نارضایتی و درگیری به‌وجود می‌آید (مه‌دوی ۱۳۷۵: ۲۷).

رالف دارن‌دورف نیز معتقد است که شرایط ساختاری جامعه، ابتدا سبب آگاهی افراد از منافعشان می‌شود و این امر سبب می‌شود که به مقایسه موقعیت خودشان با دیگران بپردازند. در اثر این مقایسه نوعی احساس بی‌عدالتی به‌وجود می‌آید. اگر افراد نتوانند محرومیت‌هایی را که احساس کرده‌اند، برطرف نمایند، دچار نارضایتی خواهند شد (همو: ۲۷).

«گور، علت اصلی نارضایتی را در به‌وجود آمدن احساس محرومیت نسبی (relative deprivation) یا احساس بی‌عدالتی نسبی می‌داند. شدت و عمق احساس محرومیت نسبی بستگی دارد به ادراک ذهنی مردم از فاصله بین انتظارات و امکانات ارضای نیاز» (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۴۴).

ب- نظریه مبادله: نظریه مبادله اجتماعی را می‌توان برای شناسایی و فهم جنبه‌هایی از رفتار که مبتنی بر تنبیه و پاداش است، به کار برد. مبادله مورد نظر در این جا تنها به اشیای ملموس مربوط نمی‌شود، بلکه عموماً درباره

چیزهای غیر ملموسی مانند تکریم، علاقه، همکاری و تأیید و همچنین پرهیز از رنج و هزینه، شرمساری و جز این‌ها هم می‌شود (مور، ۱۳۷۲: ۷۹).

در این جا فرض شده است که هدف‌ها و خواسته‌های شخصی و منحصر به فرد اشخاص انگیزه‌های خودخواهانه‌ای به آنان می‌دهد. این نظریه رفتار روزمره را پاسخی به خواسته و محاسبه فردی می‌داند و بر این اعتقاد است که کنش‌کنندگان در انتخاب‌های خود از آزادی زیادی برخوردارند (مور، ۱۳۷۲: ۸۳-۸۶).

ج- نظریه کنش متقابل نمادین: «چارلز هورتون کولی (C.H. Cooley) (۱۹۶۴) اصطلاح «خود آینه‌ای» (Looking Glass self) را برای نشان دادن این معنی که ما خود را در آینه رفتار دیگران با خودمان می‌بینیم، به کار می‌برد. مفهوم خود از کنش‌های متقابل ما با دیگران به وجود می‌آید، بازخوردهایی که ما از مردم درباره خودمان می‌گیریم، به ما می‌فهماند که چه کسی و چگونه آدمی هستیم» (کریمی به نقل از ستوده، ۱۳۷۹: ۶۱).

به نظر «جورج هربرت مید» (G.H. Mead) یکی از نتایج جامعه‌پذیری، توانایی پیش‌بینی انتظارات دیگران از ما و شکل دادن به رفتارمان بر طبق آن‌ها می‌باشد. او استدلال می‌کند که این توانایی از طریق «نقش‌پذیری» به دست می‌آید (روشه، به نقل از ستوده، ۱۳۷۹: ۶۲).

د- عادتواره آتونی گیدنز: آتونی گیدنز معتقد است که هر انسانی یک عادتواره دارد. منظور او از عادتواره، مجموعه طرح‌واره‌هایی است که یک انسان در طول زندگی خود بر اساس برخورد با محیط‌های مختلفی مانند خانواده، آموزش، رسانه‌ها و گروه همسالان کسب می‌کند، مثل چگونگی غذا خوردن، خوابیدن و پوشیدن، نحوه ارتباطات اجتماعی و ذوقیات و دلمشغولی‌ها. طبق نظر او این عوامل و انگیزه‌ها موجبات اعمال و رفتار فرد را فراهم می‌نمایند.

بر این اساس او ازدواج‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند: ازدواج‌هایی که به عادتواره‌ها اهمیت می‌دهند و طریقه‌آشنایی زوجین با همدیگر از طریق مناسبات خانوادگی و خویشاوندی است و ازدواج‌هایی که نحوه آشنایی زوجین از طریق مناسبات غیر خانوادگی و غیر خویشاوندی است و به عادتواره‌ها کمتر بها می‌دهند. در شکل دوم، پس از گذشت زمانی از ازدواج، کم‌کم عادتواره‌ها خود را در عمل نشان می‌دهند و رفتار افراد را هدایت می‌کنند و سرمایه‌های فرهنگی به کناری می‌روند و یا کمرنگ‌تر می‌شوند. لذا اگر در چنین حالتی تضادی در عادتواره‌ها وجود داشته باشد- که غالباً هم وجود دارد- تعارض‌ها و کشمکش‌ها خودنمایی می‌کنند

و اختلاف‌هایی بین طرفین ایجاد می‌شوند. این در حالی است که همچنان سرمایه‌های فرهنگی با هم هماهنگ هستند.

اما در حالت اول ممکن است سرمایه‌های فرهنگی زوجین در ابتدا از کمی تا خیلی متفاوت باشند، ولی این تفاوت‌ها خود را در ابتدای زندگی نشان داده‌اند و طرفین با کسب اطلاعات لازم و توجه به کلیه جوانب امور اقدام به اتخاذ چنین رابطه‌ای کرده‌اند و لذا این تفاوت‌ها تا اندازه بیشتری نسبت به مشکل حالت دیگر قابل اغماضند، در نتیجه تعارض آن‌ها با همدیگر نیز کمتر خواهد بود. ضمناً توجه به این امر نیز لازم است که سرمایه‌های فرهنگی اکتسابی‌اند و بعدها زن و مرد می‌توانند تلاش کنند و آن‌ها را کسب کنند و به سرمایه‌های فرهنگی مشابهی دست یابند، اما عکس آن معمولاً سخت‌تر است (منادی، ۱۳۸۴: ۱۲).

چارچوب نظری

بر اساس تئوری نیاز، برآورده شدن نیاز جنسی، نیاز به پذیرفته شدن در جمع بزرگان، نیاز به گسترش روابط اجتماعی، نیاز به کسب امنیت شغلی، نیاز به داشتن احترام، نیاز به وجود مونس و همراهی دایمی و... همه و همه به سادگی و با انجام ازدواج امکان‌پذیر می‌گردد. چه کسی است که منکر شود که یک جوان پس از ازدواج می‌تواند کارهایی را انجام دهد که در هنگام مجرد بودن حتی گاهی جرأت فکر کردن به آن را هم نداشته است؟ ازدواج به جوان توانایی‌هایی می‌دهد که قبل از ازدواج فاقد آن بوده است.

بر مبنای نظریه میدانی لوین که فضای زندگی از مشخصه‌های اصلی آن است، می‌توان به نوعی مسئله جبر علل و انگیزه‌های مؤثر بر موضوع تحقیق را هم بررسی نمود. توضیح این که هیچ یک از ما بدون در نظر گرفتن شرایط فردی و محیطی، رفتاری را انجام نمی‌دهیم. توجه بسیاری از رفتارهای بشر نیازمند توجه دقیق به شرایط فردی و محیطی است. در این میان این فرد است که با سبک‌سنگین کردن امور و شرایط تصمیم می‌گیرد و در هر حال فرایند این تصمیم‌گیری تحت تأثیر ایجاد تعادلی بین شرایط فردی و محیطی است تا از هر گونه اختلال و ناخشنودی در زندگی جلوگیری به عمل آید.

ازدواج آزاد، ازدواجی است که در آن جستجو برای شریکی صورت می‌گیرد که به کمک او نیازهای متقابل برآورده می‌شود. دوست داشتن در این حالت می‌تواند به‌عنوان سهمیم بودن در رشد یکدیگر باشد (انیل، ۱۹۷۲: ۵۰).

همچنین این تئوری این امکان را به ما می‌دهد که متغیرهایی چون سن، شغل، میزان تحصیلات، شرایط و تغییرات محیط کاری و محیط اجتماعی چون افزایش حقوق و گسترش روابط اجتماعی را به‌عنوان علل و انگیزه‌های ازدواج مورد تحلیل قرار دهیم.

در ویژگی‌های شخصی ما معمولاً به دنبال مکمل خود هستیم. ازدواج را به یک معنی می‌توان تکامل دانست. خصلت تکمیل‌کنندگی ازدواج از مهم‌ترین و بهترین رهاوردهای ازدواج است. در تعالیم دینی ما هم اشاره شده که با ازدواج انسان می‌تواند نیمی از ایمان خود را از گزند شیطان مصون بدارد. رفع نیازها با وجود شریکی غمخوار و همراه، میسرتر خواهد گشت. اگر هر یک از زوجین خود را در حل مسائل زندگی مسؤول بدانند، رضایتمندی از زندگی نیز بیشتر خواهد شد.

تحقیقات نشان داده که سازگاری در ازدواج آسان‌تر می‌شود، اگر زوج‌هایی که پیش‌زمینه‌ای مشابه دارند، با هم ازدواج نمایند؛ چرا که ازدواج کردن یعنی ایجاد و بنای یک روش زندگی مشترک. اگر عادت‌ها مشابه باشند، توافقات هم بیشترند (کریج، ۱۹۶۹: ۹۱).

هر چه تجربه‌های گذشته افراد به یکدیگر نزدیک‌تر باشند، آسان‌تر می‌توانند اندیشه‌ها، احساس‌ها و جهان‌بینی یکدیگر را دریابند. کسانی که در یک دوره زمانی به دنیا می‌آیند، در یک فضا آموزش می‌بینند و رویدادهای اجتماعی همانندی را تجربه می‌کنند، موفق‌ترند (گوپتا، ۱۹۷۶).

هرچه یک پدیده در جامعه از ارزش بیشتری برخوردار باشد و یا این که گروه همسالان و یا گروه مرجع بیشتر آن‌را مهم قلمداد کنند، دستیابی به آن پدیده برای فرد ارزشمندتر خواهد بود. در جامعه ما ازدواج بعنوان یک امر مقدس مطرح است و تقریباً تمامی افراد به انجام آن اقدام می‌کنند، بنابر این فرد نیز در صورت عدم ازدواج احساس محرومیت می‌کند، پس در رفع آن احساس گام برمی‌دارد.

بر مبنای تئوری محرومیت نسبی، یک جوان مجرد پس از مشاهده امکاناتی که ازدواج برای همسالان او ایجاد نموده است، و پس از آگاهی به انواع نیازهای ذکر شده که توسط ازدواج می‌تواند آن‌ها را به‌دست آورد، به مقایسه موقعیت خود با دیگران می‌پردازد و متوجه میزان محرومیت خود می‌گردد. این مطلب در مورد شرایط زوجین پس از ازدواج نیز صادق است، هرچه میزان آگاهی به این وضعیت بیشتر باشد، احساس محرومیت نیز بیشتر است. احساس یک اختلاف منفی بین انتظارات مشروع و واقعیت‌های موجود، موجبات

نارضایتی از زندگی فردی و زناشویی را فراهم می‌سازد. در این میان فرد درمی‌یابد که نمی‌تواند به بعضی از خواسته‌های خود برسد.

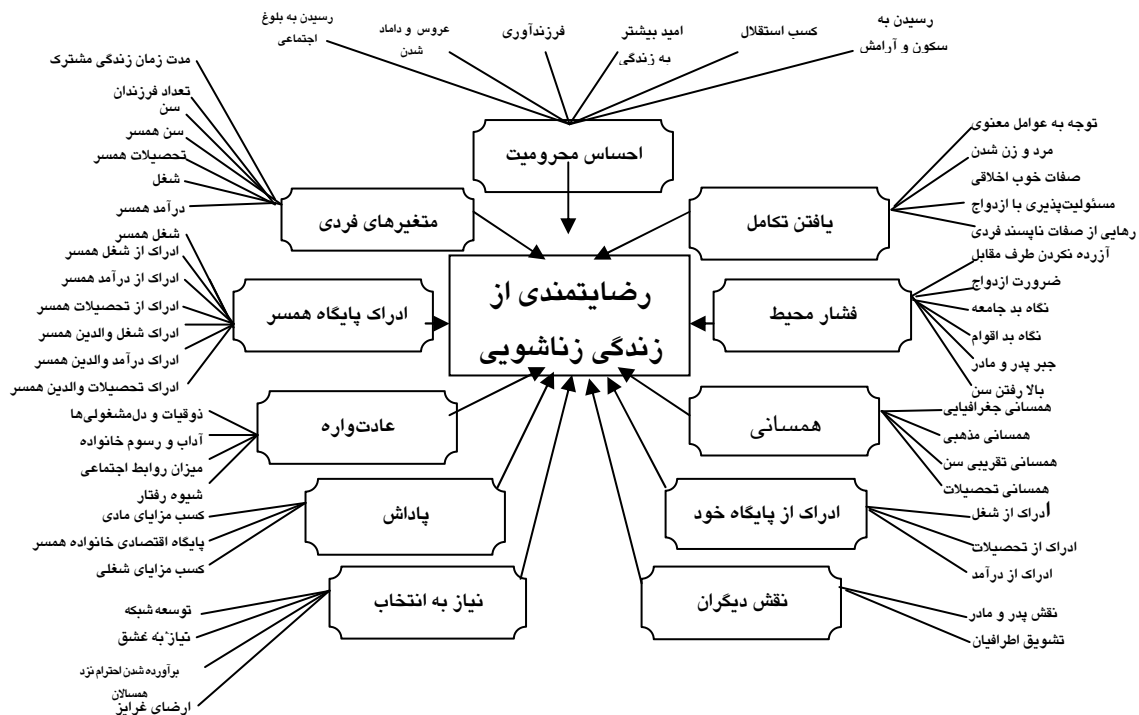
در هنگام ازدواج، هر کس به صحبت‌ها و شخصیت و خانواده و... فرد مورد نظر خود توجه می‌کند و پس از تجزیه و تحلیل آن‌ها در مورد میزان داده و ستانده خود در صورت انجام این ازدواج، تصمیم می‌گیرد. هر چه میزان پاداش‌های ارزشمند برای شخص بیشتر باشد، احتمال پذیرش همسر و انجام ازدواج و رضایتمندی حاصل از آن بالاتر است. مثلاً اگر دختری را در نظر بگیریم که چندین خواستگار دارد، ظاهراً از میان خواستگاران با کسی که مهریه بالاتر پردازد، و شغل و تحصیلات و دارایی بیشتری داشته باشد (در صورت ارزشمند بودن آن‌ها برای شخص) ازدواج خواهد کرد. هر فرد با توجه به آن‌چه نیاز دارد، عاملی را در خشنودی و رضایتمندی خود مؤثر می‌داند. بنابراین به دنبال انجام مبادله جهت به دست آوردن آن‌ها می‌باشد.

انسان بی‌عیب و نقص وجود ندارد. حتی چنین تصویری سراسر اشتباه است. همه انسان‌ها دارای نقاط قوت و ضعف هستند. بدینسان، می‌توان پذیرفت که هر ازدواجی به انجام نوعی مبادله می‌انجامد، به این معنی که یک‌سری خصایل که مطابق با آرمان‌های ذهنی فرد است، او را به سمت گزینش همسر می‌کشاند.

با استفاده از تئوری کنش متقابل نمادین، می‌توان چنین تبیین نمود که افراد طی فرایند اجتماعی شدن و کنش متقابل با دیگران به شناختی تازه از خود دست می‌یابند. چنین دریافتی از خود حتی در میان کودکان نیز وجود دارد. هر چه این قضاوت در نزد دیگران با اقبال بیشتری روبرو شود، اعتماد به نفس فرد بالاتر خواهد رفت. انجام ازدواج و ورود فرد به مرحله جدیدی در زندگی و جهه دیگری از او را در نظر دیگران منعکس خواهد ساخت، بدینسان افراد با توجه به نحوه عکس‌العمل دیگران نسبت به خودشان، درکی از احساس رضایت یا نارضایتی را تجربه خواهند نمود.

به نظر گیدنز، در امر ازدواج نه تنها توجه به علل و انگیزه‌های اصلی شرط و ملاک است، بلکه بایستی به جوانب امر نیز با دقت بیشتری نگریست. بر این اساس توجه به امور جزئی‌تر نیز حائز اهمیت است. برخوردهای اولیه کسانی که قصد ازدواج با همدیگر را دارند، سرشار از ابراز عواطف و احساسات است. این مطلب به هیچ وجه کاری ناپسند نیست، اما اگر مانع از درک واقعیت‌های پشت پرده شود، در نهایت به بروز نارضایتی در بین آن‌ها خواهد انجامید.

با توجه به موارد فوق، مدل تبیینی پیشنهادی برای تحقیق حاضر را می‌توان چنین ترسیم نمود:



فرضیات تحقیق

با توجه به مباحث مطرح شده در رابطه با موضوع تحقیق می‌توان فرضیات کلی زیر را مطرح کرد:

۱. میزان نیاز به انتخاب همسر، با میزان رضایت از زندگی زناشویی او رابطه‌ای مثبت دارد.
۲. درجه محرومیت نسبی فرد در ازدواج، با میزان رضایت از زندگی زناشویی او رابطه‌ای مثبت دارد.
۳. فشارهای محیطی در انتخاب همسر، با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ای منفی دارد.
۴. درجه همسانی در انتخاب همسر، با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ای مثبت وجود دارد.
۵. تکمیل‌کنندگی شخصیت در ازدواج، با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ای مثبت دارد.
۶. میزان تبادل و پاداش در انتخاب همسر، با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ای مثبت دارد.
۷. تأثیر نقش دیگران در انتخاب همسر، با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ای مثبت دارد.
۸. تأثیر همخوانی عادت‌ها در انتخاب همسر، با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ای مثبت دارد.
۹. ادراک از پایگاه طبقاتی خود در هنگام ازدواج، با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ای مثبت دارد.

۱۰. ادراک از پایگاه طبقاتی همسر، در هنگام ازدواج، با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ای مثبت دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق اعمال شده در این پژوهش، «روش پیمایش» است. نوع تحقیق نیز از نوع کمی و کاربردی است. ابزار مورد استفاده پرسشنامه است. از آنجا که افراد پاسخگو اکثراً باسواد بودند، اجرای تحقیق توسط پرسشنامه و به روش «خوداجرا» صورت گرفت. جامعه آماری تحقیق کلیه متأهلین ۲۵-۴۵ سال شهر بیرجند بوده‌اند. با نگاهی به تحقیقات انجام شده در زمینه ازدواج، می‌توان اذعان داشت که اکثر تحقیقات، جامعه آماری خود را از میان مجردین انتخاب کرده‌اند. پس بر آن شدیم تا جامعه آماری خود را از میان متأهلین انتخاب نماییم. مزیت این بعد از تحقیق در این است که متأهلین معیارها و عوامل مؤثر بر خود را در عمل یافته‌اند و به‌مانند مجردان تنها در ذهن و ایده آل خود عواملی را مؤثر نمی‌دانند و بهتر می‌توانند آنچه را که واقعاً در مورد آن‌ها رخ داده، بیان نمایند. همچنین در پژوهش حاضر، سنجش رضایت از زندگی زناشویی بر اساس علل و انگیزه‌های اولیه در هنگام ازدواج افراد مد نظر ما بوده، از این رو سعی گردید تا فاصله سنی به گونه‌ای انتخاب گردد که یادآوری این علل و انگیزه‌ها با میزان خطای کمتری صورت پذیرد. انتخاب فاصله سنی ۲۵-۴۵ سال، با این پیش فرض صورت گرفت.

تعداد حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۷۴ نفر شد که برای رفع پاره‌ای از مشکلات احتمالی، تعداد ۳۰۰ پرسشنامه تهیه و در بین جامعه آماری توزیع گردید. شیوه نمونه‌گیری کلی در تحقیق حاضر، نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. بدین منظور در مورد پژوهش حاضر مراحل زیر انجام شد: تهیه فهرست از تمامی مناطق شهر بیرجند، تهیه لیستی از کلیه خیابان‌های اصلی در هر یک از مناطق، انتخاب تعدادی از این خیابان‌ها به‌طور تصادفی، تهیه فهرست تمام بلوک‌های هر یک از خیابان‌های انتخابی، انتخاب تعدادی از بلوک‌های هر خیابان انتخابی، انتخاب کوچه‌ای از هر بلوک انتخابی، مصاحبه با خانوارهای انتخابی. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از دو روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در آمار توصیفی از فراوانی داده‌ها و درصد آن و در آمار استنباطی از روش‌های تحلیل واریانس، آزمون رگرسیون دو متغیره و رگرسیون چندمتغیره و آماره‌های مخصوص روایی و انجام تحلیل عامل و تحلیل مسیر استفاده شد. کلیه عملیات آماری با نرم افزار SPSS۱۴ انجام گردیده است.

اعتبار و قابلیت اعتماد

برای سنجش اعتبار پژوهش حاضر، از روش اعتبار محتوایی و اعتبار ملاک استفاده کردیم. با توجه به اهمیت حصول از اعتبار وسیله اندازه‌گیری در بحث اعتبار محتوایی، موارد زیر مورد توجه قرار گرفت:

۱. انتخاب نمونه بهینه از معرف‌ها، در این مرحله ملاک ما عمومیت معرف بوده است.
 ۲. استفاده از کتب و مجلات معتبر.
 ۳. استفاده از راهنمایی‌ها و مشاوره استادان محترم و کارهای تحقیقی انجام شده در رابطه با موضوعات مشابه تحقیق.
 ۴. پس از آماده شدن پرسشنامه، ابتدا پیش‌آزمون (pre test) انجام شد و اصلاحات لازم در زمینه بهبود و ترتیب منطقی سؤالات و بهتر شدن ساختار پرسشنامه به عمل آمد و سرانجام پرسشنامه نهایی تهیه و در بین پاسخگویان توزیع گردید.
- برای سنجش اعتبار ملاک متغیر مستقل تحقیق که رضایتمندی است، یک سؤال با عنوان «از زندگی خود به‌طور کلی راضی هستم»، با استفاده از طیف پنج‌قسمتی مورد سنجش قرار گرفت. سپس نمره حاصل با نمره رضایتمندی در ارتباط قرار داده شد که ضریب همبستگی ۰/۸۴۵ در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ را نشان داد. به عبارت دیگر، رضایت کلی از زندگی با نتایج حاصل از سؤالات دیگر که به‌طور غیرمستقیم رضایتمندی را سنجیده‌اند، مقایسه گردید و مشخص شد که تا چه میزان بین این دو همبستگی وجود دارد. ضریب همبستگی بالای ۰/۷ نشان از اعتبار زیاد پرسشنامه دارد.
- با توجه به ماهیت تحقیق (استفاده از طیف لیکرت)، محاسبه پایایی محتوایی بوسیله آلفای کرونباخ انجام شد. این ضریب برای متغیر نیاز به انتخاب همسر ۰/۷۱، متغیر احساس محرومیت نسبی ۰/۷۶، متغیر فشار محیط ۰/۷۱، متغیر همسان‌همسری در ازدواج ۰/۷۳، متغیر رسیدن به تکامل شخصیتی با ازدواج ۰/۷۷، متغیر تبادل در ازدواج ۰/۸۲، متغیر همخوانی عادت‌ها در ازدواج ۰/۸۱، متغیر ادراک از پایگاه طبقاتی همسر در ازدواج ۰/۸۰ و برای متغیر رضایت از زندگی زناشویی ۰/۸۷ بوده است. از آنجا که متغیر نقش دیگران در ازدواج با دو سؤال سنجیده شد، قابلیت اعتماد این متغیر به روش دو نیمه کردن به دست آمد که در این رابطه ضریب اسپیرمن برون، بالای ۰/۷ بوده است.

لازم به ذکر است که برای قابلیت اعتماد گویه ادراک از پایگاه خود در هنگام ازدواج، نیاز به آزمون - آزمون مجدد بود که به دلیل هزینه بر بودن انجام نشد.

متغیرهای تحقیق

باتوجه به نظریات جامعه‌شناختی مطرح شده، متغیرهای این تحقیق در دو دسته به شرح ذیل بودند:

متغیرهای مستقل: متغیر مستقل، متغیری است که می‌خواهیم تأثیر آن را بر روی متغیر دیگری ملاحظه نمایم. در این پژوهش متغیرهای نیاز به انتخاب همسر، احساس محرومیت نسبی، فشار محیط بر ازدواج، همسانی در انتخاب همسر، تکامل شخصیتی با ازدواج، تبادل در انتخاب همسر، دیگران مهم در انتخاب همسر، همخوانی عادت‌ها در انتخاب همسر و ادراک از پایگاه طبقاتی خود و همسر به عنوان متغیرهای مستقل ما در نظر گرفته شدند که توسط آن‌ها سعی در تبیین میزان رضایت از زندگی زناشویی همسران از همدیگر را داشته‌ایم.

متغیر وابسته (تابع): متغیر تابع به متغیری گفته می‌شود که در یک تحقیق می‌خواهیم اثر متغیرهای مستقل را بر روی آن ملاحظه نمایم. در این تحقیق متغیر وابسته ما، میزان رضایت از زندگی زناشویی بوده است.

نتایج تحقیق

در این تحقیق سعی شد تحلیلی جامعه‌شناختی از علل و انگیزه‌های مؤثر بر ازدواج افراد متأهل و رابطه آن با میزان رضایت از زندگی زناشویی آنان صورت گیرد. در رابطه با آمار توصیفی نتایج زیر به دست آمده است:

تعداد ۱۴۹ نفر از پاسخگویان زن و تعداد ۱۵۱ نفر آنان مرد بوده‌اند. بیشتر افراد جمعیت نمونه در سنین ۳۰-۲۵ با ۳۹/۷ درصد بوده‌اند. بیشترین فراوانی سن همسر مربوط به سنین ۳۰-۲۶ با ۲۵ درصد است. بیشترین فراوانی سطح تحصیلات فرد و همسر او، مربوط به دارندگان مدرک تحصیلی دیپلم با ۳۸ و ۳۷/۳ درصد می‌باشد. شغل ۶۸/۵ درصد از زنان خانه‌داری بوده است، اما در میان مردان بیشترین درصد معلمی با ۱۹/۹ بوده است. شغل همسر ۶۸/۹ درصد از مردان خانه‌داری بوده است. در میان شغل همسر زنان، بیشترین درصد ۲۰/۱ بوده که همسرشان کارمند عالی‌رتبه بوده است. درآمد ۶۹/۱ درصد از زنان صفر و اما درآمد ۳۴/۴ درصد از مردان ۲۵۰-۱۵۱ هزار تومان بوده است. با درصد مشابه ۳۱/۵، اکثر زنان درآمد همسرانشان را ۲۵۰-۱۵۱ هزار

تومان و ۳۵۰-۲۵۱ هزار تومان اظهار کرده‌اند. اما اکثر مردان در آمد همسرانشان را صفر با ۶۷/۵ درصد دانسته‌اند. اکثر متأهلین مدت زمان زندگی مشترک با همسرشان ۵-۱ سال با ۲۸/۳ درصد و پس از آن ۱۰-۶ سال با ۲۱/۳ درصد بوده است. از این رو می‌توان گفت بیشتر پاسخگویان در ابتدای زندگی زناشویی قرار داشته‌اند. بیشتر افراد نمونه تحقیق، دارای ۱ تا ۲ فرزند، با ۲۳/۷ درصد و ۲۴ درصد می‌باشند. تنها تعداد کمی از افراد، ۴ فرزند و بالاتر از آن را داشته‌اند (مجموعاً ۱۷/۲ درصد).

در مورد میزان اهمیت نیاز به انتخاب همسر از نظر کل پاسخگویان، تقریباً نیمی از افراد جمعیت نمونه (۴۵/۷ درصد) اظهار داشته‌اند که در هنگام ازدواج نیازمند شریک زندگی برای خود بوده‌اند. کمترین درصد مربوط به کاملاً مخالف با ۱/۷ درصد بوده است. میانگین میزان اهمیت از نظر کل پاسخگویان، ۳/۵۲ بوده است. میانگین میزان اهمیت برای زنان ۳/۴۱ و برای مردان ۳/۶۲ می‌باشد.

در مورد میزان اهمیت احساس محرومیت نسبی از نظر کل پاسخگویان، ۴۵/۷ درصد از افراد جمعیت نمونه معتقد بوده‌اند که محرومیت از ازدواج را احساس می‌کرده‌اند و لذا با این متغیر موافق بوده‌اند. تنها ۰/۳ درصد از افراد با این متغیر کاملاً مخالف بوده‌اند. میانگین میزان اهمیت از نظر کل پاسخگویان، ۳/۵ و برای زنان ۳/۵۶ و برای مردان ۳/۶۶ بوده است.

در مورد میزان اهمیت فشار محیط بر ازدواج از نظر کل پاسخگویان ۴۰ درصد از افراد به این متغیر اظهار بی‌نظری کرده‌اند. اما ۳۸ درصد نیز معتقد بوده‌اند که در ازدواج خود با فشارها و تحمیل‌هایی از جانب دیگران و محیط پیرامون خود مواجه نبوده‌اند و لذا با این متغیر مخالفت کرده‌اند. کمترین درصد ۳ و متعلق به گزینه کاملاً موافق است. میانگین میزان اهمیت از نظر کل پاسخگویان، ۳/۳۰ بوده است میانگین میزان اهمیت برای زنان ۳/۳۱ و برای مردان ۳/۲۷ می‌باشد.

در مورد میزان اهمیت همسان‌همسری از نظر کل پاسخگویان ۳۹ درصد از افراد به این طیف اظهار بی‌نظری کرده‌اند. اما ۳۴/۷ درصد نیز بیان داشته‌اند که در ازدواج خود به دنبال همسری بوده‌اند که از نظر ملاک‌های مورد سؤال با آن‌ها همسانی و مشابهت داشته است، لذا با این متغیر موافقت کرده‌اند. کمترین درصد، ۱/۳ و مربوط به گزینه کاملاً مخالف است. میانگین میزان اهمیت از نظر کل پاسخگویان، ۳/۳۰ بوده است. میانگین میزان اهمیت برای زنان ۳/۳۴ و برای مردان ۳/۳۰ می‌باشد.

در مورد میزان اهمیت رسیدن به تکامل شخصیتی با ازدواج، ۵۲ درصد از افراد جمعیت نمونه بیان داشته‌اند که در ازدواج خود توجه به مسائل معنوی و نیز کامل‌سازی شخصیت خود را در نظر داشته‌اند، از این رو با این متغیر موافق بوده‌اند. تنها ۰/۳ درصد با این امر کاملاً مخالف بوده‌اند. میانگین میزان اهمیت برای این متغیر از نظر کل پاسخگویان، ۳/۷۸ بوده است. میانگین میزان اهمیت برای زنان ۳/۶۶ و برای مردان ۳/۸۹ می‌باشد.

۳۶/۷ درصد داشته‌اند که در ازدواج خود توجه به مسائل مالی و پولی نداشته‌اند و با متغیر تبادل و پاداش در ازدواج مخالف بوده‌اند. همچنین با درصدی مشابه (۳۵/۷ درصد) بی‌نظر بوده‌اند. تنها ۱ درصد افراد با این متغیر کاملاً موافق بوده‌اند. میانگین میزان اهمیت از نظر کل پاسخگویان، ۲/۳۷ بوده است. میانگین میزان اهمیت برای زنان ۲/۱۹ و برای مردان ۲/۵۴ می‌باشد.

میزان اهمیت تأثیر نقش دیگران در ازدواج از نظر کل پاسخگویان ۴۱/۷ درصد موافق بوده است. در ازدواج آنان تشویق پدر و مادر و دوستانشان نقش داشته است. تنها ۷ درصد با این مورد مخالفت کامل داشته‌اند. میانگین میزان اهمیت برای این متغیر از نظر کل پاسخگویان، ۳/۲۶ بوده است. میانگین میزان اهمیت برای زنان ۳/۲۲ و برای مردان ۳/۳۰ می‌باشد.

در مورد میزان اهمیت طیف عادت‌واره (همخوانی عادت‌ها در ازدواج) از نظر کل پاسخگویان، ۴۳ درصد از افراد جمعیت نمونه معتقد بوده‌اند که در انتخاب همسر، همخوانی عادت‌ها و یکنواختی آداب و رسوم رایج در خانواده‌ها را در نظر داشته‌اند. تنها ۹ درصد کاملاً مخالف و یا مخالف با یکنواختی عادت‌ها و آداب و رسوم بوده‌اند. میانگین میزان اهمیت برای این متغیر از نظر کل پاسخگویان، ۳/۶۵ بوده است. میانگین میزان اهمیت برای زنان ۳/۵۶ و برای مردان ۳/۷۴ می‌باشد.

میزان اهمیت ادراک از پایگاه طبقاتی خود در هنگام ازدواج از نظر کل پاسخگویان ۴۰/۳ درصد مخالفت بوده است. لذا در هنگام ازدواج و انتخاب همسر، خود را در شرایط مناسبی نمی‌دانسته‌اند. کمترین درصدها متعلق به گزینه کاملاً مخالف با ۸/۷ درصد بوده است. میانگین میزان اهمیت از نظر کل پاسخگویان، ۲/۹۳ و برای زنان ۲/۸۶ و برای مردان ۳/۰۱ بوده است.

۵۶/۷ درصد از افراد به متغیر ادراک از پایگاه طبقاتی همسر در هنگام ازدواج اظهار بی‌نظری کرده‌اند. اما ۳۳/۳ درصد نیز معتقد بوده‌اند که در ازدواج خود درک مناسب و قابل اعتمادی از پایگاه طبقاتی همسر خود به دست آورده‌اند. لذا با این متغیر موافقت کرده‌اند. تنها ۱۰ درصد افراد ادراک درستی از درآمد، شغل و

تحصیلات همسر خود و یا خانواده او به دست نیاورده‌اند. میانگین میزان اهمیت از نظر کل پاسخگویان، ۳/۲۲ بوده است. میانگین میزان اهمیت برای زنان ۳/۲۵ و برای مردان ۳/۲۰ می‌باشد.

۵۱/۳ درصد از افراد معتقد بوده‌اند که از زندگی با همسرشان احساس رضایت داشته‌اند. در مجموع ۷۱ درصد با این طیف موافق و کاملاً موافق بوده‌اند. تنها ۱۱ درصد افراد از زندگی با همسر خود ناراضی و یا کاملاً ناراضی بوده‌اند. میانگین میزان اهمیت از نظر کل پاسخگویان، ۳/۷۹ بوده است. میانگین میزان اهمیت برای زنان ۳/۷۴ و برای مردان ۳/۸۳ می‌باشد.

تحلیل دو متغیره

بررسی ضرایب همبستگی بین معرف‌ها و متغیرهای تحقیق

در این قسمت تنها ضرایب همبستگی که معنی دار شده‌اند، ذکر می‌گردند:

ضریب همبستگی بین متغیر مستقل نیاز به انتخاب همسر و متغیر وابسته رضایتمندی (۰/۲۰۴)، ضریب همبستگی بین متغیر مستقل فشار محیط و متغیر وابسته رضایتمندی (۰/۲۵۱-)، ضریب همبستگی بین متغیر مستقل رسیدن به تکامل شخصیتی و متغیر وابسته رضایتمندی (۰/۲۲۴)، ضریب همبستگی بین متغیر مستقل همخوانی عادت‌ها و متغیر وابسته رضایتمندی (۰/۴۳۵)، ضریب همبستگی بین متغیر مستقل ادراک از پایگاه همسر در هنگام ازدواج و متغیر وابسته رضایتمندی (۰/۳۳۷)، بوده است. این بدین معنی است که هر چه نیاز به انتخاب همسر، رسیدن به تکامل شخصیتی، همخوانی عادت‌ها و ادراک از پایگاه همسر در هنگام ازدواج بیشتر باشد، رضایتمندی از زندگی زناشویی بیشتر خواهد بود. نیز با توجه به منفی بودن ضریب همبستگی فشار محیط با رضایتمندی از زندگی زناشویی هر چه فشار محیط بر ازدواج بیشتر باشد، رضایتمندی از زندگی زناشویی کمتر خواهد بود. بین ادراک از پایگاه خود در هنگام ازدواج و رضایتمندی از زندگی زناشویی هم رابطه‌ای معنی دار برقرار بوده است، بدین معنی که هر چه ادراک از پایگاه خود در هنگام ازدواج بیشتر باشد، رضایتمندی از زندگی زناشویی بیشتر خواهد بود.

در رابطه با همبستگی‌های معنی دار شده بین معرف‌های تحقیق با متغیر وابسته می‌توان گفت هر چه نیاز به توسعه شبکه خویشاوندی خود با اقوام، نیاز به عشق، افزایش امید به زندگی با ازدواج، ایمان فرد، با ایمان بودن همسر، دارا بودن صفات اخلاقی همسر، مسؤولیت‌پذیری با ازدواج، ارتقاء پایگاه اقتصادی خود با انجام ازدواج،

دلخوشی‌ها و آرزوها و آداب و رسوم خانواده‌ها، میزان روابط اجتماعی آن‌ها، شیوه رفتار دو فرد، ادراک از شغل، درآمد و تحصیلات همسر و نیز ادراک از شغل و تحصیلات والدین همسر، بیشتر باشد، رضایتمندی از زندگی زناشویی بیشتر خواهد بود. نیز می‌توان گفت که هر چه فرد تأثیر بیشتری از قضاوت بد اقوام، جبر پدر و مادر و در رودربایستی قرار گرفتن با فرد برای ازدواج با او پذیرفته باشد، رضایتمندی از زندگی زناشویی او کمتر خواهد بود. تمامی معرف‌های متغیر رضایتمندی از زندگی زناشویی با رضایتمندی از زندگی زناشویی همبستگی معنی‌داری قوی داشته‌اند. لذا می‌توان گفت که هر چه رضایت از یافتن صفات مورد نظر، رضایت از انتخاب، رضایت از جنبه اقتصادی، رضایت از موفق دانستن ازدواج خود، داشتن تصور مثبت از ازدواج، نقش نداشتن امور احساسی در ازدواج، تصور طلاق نداشتن، رسیدن به اهداف و رضایت کلی از زندگی بیشتر باشد، رضایتمندی از زندگی زناشویی بیشتر خواهد بود. پس از بررسی ماتریس روابط همبستگی‌ها، در این جا آزمون فرضیات معنی‌دار شده پژوهش ذکر می‌شوند:

آزمون فرضیات تحقیق

با انجام رگرسیون دو متغیری، بین متغیرهای مستقل میزان نیاز به انتخاب همسر، تأثیر عامل تکمیل‌کنندگی شخصیت در انتخاب همسر، تأثیر همخوانی عادت‌ها در انتخاب همسر، ادراک از پایگاه طبقاتی همسر در هنگام ازدواج و شغل پاسخگویان با متغیر وابسته میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار بر قرار بوده است. تأثیر فشارهای محیطی در انتخاب همسر، سن همسر پاسخگویان، فاصله سنی زن و شوهر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی منفی و معنی‌دار بوده است. معادله رگرسیونی حاصل برای هر یک از موارد فوق بدین قرار است:

$$Y = 26/763 + 0/489 \text{ (نیاز به انتخاب همسر)}$$

$$Y = 40/022 - 0/391 \text{ (فشار محیط در انتخاب همسر)}$$

$$Y = 24/219 + 0/418 \text{ (عامل تکمیل)}$$

$$Y = 18/627 + 0/839 \text{ (همخوانی عادت‌ها)}$$

$$Y = 18/655 + 0/763 \text{ (میزان اهمیت ادراک از پایگاه همسر در هنگام ازدواج)}$$

$$Y = 37/491 - 0/105 \text{ (سن همسر)}$$

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره

در تحلیل رگرسیون چندمتغیره تحقیق سعی می‌کنیم به دو سؤال ذیل پاسخ داده شود:

۱. آیا با افزایش متغیرهای مستقل، صحت پیش‌بینی رضایت از زندگی زناشویی بهبود می‌یابد؟

۲. در بین متغیرهای مستقل، کدام یک در پیش‌بینی رضایت از زندگی زناشویی مفیدتر هستند؟

در این قسمت برای تشخیص تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش (stepwise) استفاده کرده‌ایم. ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل معنی‌دار و وارد شده در معادله رگرسیون چندمتغیره و متغیر وابسته معادل $0/702$ می‌باشد که سطح بالای معنی‌داری بین متغیرها را نشان می‌دهد. ضریب تعیین نیز برابر $0/492$ است؛ به این معنی که $49/2$ درصد از تغییرات متغیر وابسته (رضایتمندی از زندگی زناشویی) توسط متغیرهای مستقل معنی‌دار شده، تبیین شده و بقیه تغییرات توسط متغیرهایی تبیین می‌شوند که در این بررسی در نظر گرفته نشده‌اند. هفت متغیر وارد تحلیل شده‌اند. اولین متغیر، همخوانی عادت‌ها بوده که توانسته 28 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند. متغیر دوم، تأثیر فشار محیط بوده است که این میزان را به مقدار $37/1$ درصد افزایش داده است. و به همین ترتیب متغیرهای دیگر که مقدار F آن‌ها از بقیه متغیرها بیشتر بوده است، وارد تحلیل گشته‌اند تا این که سرانجام با وارد شدن متغیر مدت تأهل زوجین، ضریب تعیین به $0/492$ افزایش یافته است.

جدول ضرایب رگرسیونی (B) و ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) در رگرسیون چندمتغیره

| Model | Unstandardized Coefficients | | Standardized Coefficients | t | Sig. |
|-----------------|-----------------------------|------------|---------------------------|--------|------|
| | B | Std. Error | Beta | | |
| (Constant) | ۱۸,۸۵۷ | ۲,۸۹۶ | | ۶,۵۱۱ | .۰۰۰ |
| همخوانی عادت‌ها | .۷۱۹ | .۰۸۱ | .۴۱۷ | ۸,۸۵۲ | .۰۰۰ |
| فشار محیط | -.۳۶۴ | .۰۶۳ | -.۲۶۷ | -۵,۷۵۵ | .۰۰۰ |
| پایگاه همسر | .۴۷۱ | .۰۹۳ | .۲۴۲ | ۵,۰۴۹ | .۰۰۰ |
| سن همسر | -.۱۳۳ | .۰۷۰ | -.۱۶۶ | -۱,۹۰۱ | .۰۵۸ |
| تعداد فرزند | ۱,۴۷۰ | .۳۲۸ | .۳۴۹ | ۴,۴۸۲ | .۰۰۰ |
| تحصیلات همسر | .۵۷۲ | .۲۱۶ | .۱۳۳ | ۲,۶۴۷ | .۰۰۹ |

| | | | | | |
|----------|--------|-------|--------|--------|-------|
| مدت تأهل | -۰.۱۷۷ | ۰.۰۸۴ | -۰.۲۲۶ | -۲,۱۰۴ | ۰.۰۳۶ |
|----------|--------|-------|--------|--------|-------|

در جدول فوق ضرایب B و BETA و آزمون‌های t و سطح معنی‌داری هر یک از آن‌ها آورده شده است. ضریب BETA اثر خالص هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. علامت BETA نشان‌دهنده جهت تأثیر می‌باشد. به این ترتیب از بین هفت متغیر تبیین‌کننده رضایتمندی از زندگی زناشویی که رابطه آماری آن‌ها با توجه به این جدول معنی‌دار می‌باشد، همخوانی عادت‌ها، فشار محیط، ادراک از پایگاه همسر در هنگام ازدواج، تعداد فرزند و تحصیلات همسر، در جهت مثبت بر رضایتمندی اثر می‌گذارند، یعنی با افزایش آن‌ها (به صورت مرتبط با هم و با در نظر گرفتن تأثیر دو متغیر دیگر) میزان رضایتمندی نیز افزایش می‌یابد. اما با توجه به علامت منفی این ضریب در مورد متغیرهای سن همسر و مدت زمان زندگی مشترک، در صورتی که میزان این متغیرها افزایش یابد (با در نظر گرفتن اثر همه متغیرها)، میزان رضایتمندی از زندگی زناشویی کاهش پیدا می‌کند و عکس این رابطه نیز صادق است. همخوانی عادت‌ها با ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۴۱۷ بیشترین ضریب را در این بین داشته است، به این معنی که به ازای هر واحد تغییر در همخوانی عادت‌ها، رضایتمندی از زندگی زناشویی به اندازه ۰/۴۱۷ افزایش می‌یابد، نیز می‌توان گفت که به ازای هر واحد تغییر در مدت زمان زندگی مشترک، رضایتمندی از زندگی زناشویی به اندازه ۰/۲۲۶ کاهش می‌یابد.

تحلیل عاملی

تحلیل عامل بر این فرض مبتنی است که متغیرهای مشاهده شده، ترکیب‌های خطی از متغیرهای فرضی (با عامل‌های زیربنایی) هستند. یعنی وجود یک مجموعه از عامل‌های زیربنایی و یک مجموعه از متغیرهای مشاهده شده، مفروض گرفته می‌شود. بین این دو مجموعه رابطه خاصی وجود دارد و روش تحلیل عامل این رابطه را به کار می‌گیرد تا به استنباطی درباره آن عامل‌ها برسد (منصورفر، ۱۳۸۵: ۲۵۴). هدف ما از انجام تحلیل عامل در این جا این بوده است که مشخص سازیم آیا علل و انگیزه‌های مؤثر بر رضایتمندی از زندگی زناشویی را می‌توان در یک سری عوامل زیربنایی تر خلاصه نمود یا خیر؟ نتایج تحلیل عاملی مقدار kmo را ۰/۷۸۴ و آزمون بارتلت را معنادار ($sig = ۰ / ۰۰۰$) نشان می‌دهد که به معنای تناسب بسیار زیاد داده‌ها برای کاربرد شیوه تحلیل عاملی است. نتایج حاصل به قرار زیر است:

جدول آماره KMO تحلیل عاملی

KMO and Bartlett's Test

| | | |
|--|--------------------|---------|
| Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy. | | .784 |
| Bartlett's Test of Sphericity | Approx. Chi-Square | 698.634 |
| | df | 45 |
| | Sig. | .000 |

جدول مقادیر بارهای عاملی پس از چرخش

| | Component | | |
|----------------|-----------|-------|-------|
| | 1 | 2 | 3 |
| نیاز | .810 | .134 | |
| محرومیت | .803 | .132 | -.107 |
| فشار | -.171 | -.764 | .219 |
| همسانی | .165 | .584 | .179 |
| تکامل | .797 | .180 | .153 |
| تبادل | .559 | .395 | .104 |
| نقش دیگران | | .723 | |
| همخوانی عادتها | .520 | | .488 |
| پایگاه خود | -.191 | .263 | .750 |
| پایگاه همسر | .294 | -.144 | .714 |

Extraction Method: Principal Component Analysis.

Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization.

a. Rotation converged in 7 iterations.

جدول فوق بارهای عاملی متغیرها را بعد از چرخش نشان می‌دهد. در این جدول بارهای عاملی به وضوح نشان می‌دهند که هر عامل شامل کدام متغیر می‌باشد. بر اساس این جدول، عامل اول شامل متغیرهای نیاز به انتخاب همسر، احساس محرومیت، رسیدن به تکامل با انجام ازدواج، نقش تبادل در ازدواج و همخوانی عادت‌ها، عامل دوم شامل متغیرهای تأثیر فشار محیط بر ازدواج، همسان همسری در ازدواج، نقش دیگران در ازدواج و بالاخره عامل سوم شامل متغیرهای ادراک از پایگاه خود در هنگام ازدواج و ادراک از پایگاه همسر

در هنگام ازدواج است، یعنی متغیرها بر این سه عامل بار شده‌اند. به عبارت دیگر در تحقیق حاضر می‌توان مدعی شد که این سه عامل می‌توانند نقش تبیین‌کننده موضوع را ایفا نمایند، یعنی کلیه علل و انگیزه‌های مطرح شده در تحقیق را می‌توان در این سه عامل زیربنایی خلاصه نمود.

با دقت در وجوه اشتراکی که متغیرهای عوامل فوق به آن اشاره دارند، می‌توان به این نتیجه رسید که عوامل دسته اول، در زمینه انتخاب همسر، بیشتر به جنبه‌های اثباتی و تکاملی ازدواج اشاره دارند. عوامل دسته دوم، آن جنبه‌هایی از علل و انگیزه‌های ازدواج را مطرح می‌کنند که وجه سلبی و جبری را دارند. عوامل دسته سوم نیز به جایگاه پایگاه اجتماعی شخص معطوف می‌باشند. نکته قابل تأمل در این بین، وجود متغیر همسان‌همسری در عامل دوم است، به عنوان متغیری که نقش تحمیلی بر فرد باقی می‌گذارد. به عبارت دیگر تأکید فراوان شخص بر این که همسرش به نوعی باید از نظر تشابه تحصیلی، سنی، مذهبی و محل سکونت با او همانند باشد، به عنوان عاملی بازدارنده در رضایتمندی و نحوه انتخاب او می‌باشد. افرادی که تأکید بر این موارد را جهت همسان‌همسری داشته‌اند، در واقع در هنگام ازدواج با نوعی احساس فشار و جبر روبرو بوده‌اند که این تحمیل در عدم رضایتمندی آن‌ها از زندگی زناشوییشان در مراحل بعدی مؤثر بوده است.

در مجموع می‌توان علل و انگیزه‌های مؤثر بر ازدواج افراد را در موارد زیر بیان داشت:

۱. علل و انگیزه‌های اثباتی و تکاملی
۲. علل و انگیزه‌های سلبی و جبری
۳. علل و انگیزه‌های مربوط به پایگاه اجتماعی.

تحلیل مسیر

تحلیل مسیر مشخص می‌کند که هر متغیر مستقل تا چه حد بر روی متغیر وابسته بطور مستقیم و غیرمستقیم اثر دارد. در کاربرد تحلیل مسیر، هدف آزمون، مدل تحلیلی تحقیق است که مدل تحلیل برآیند چارچوب نظری پژوهش است (منصور فر، ۱۳۸۵: ۱۹۶).

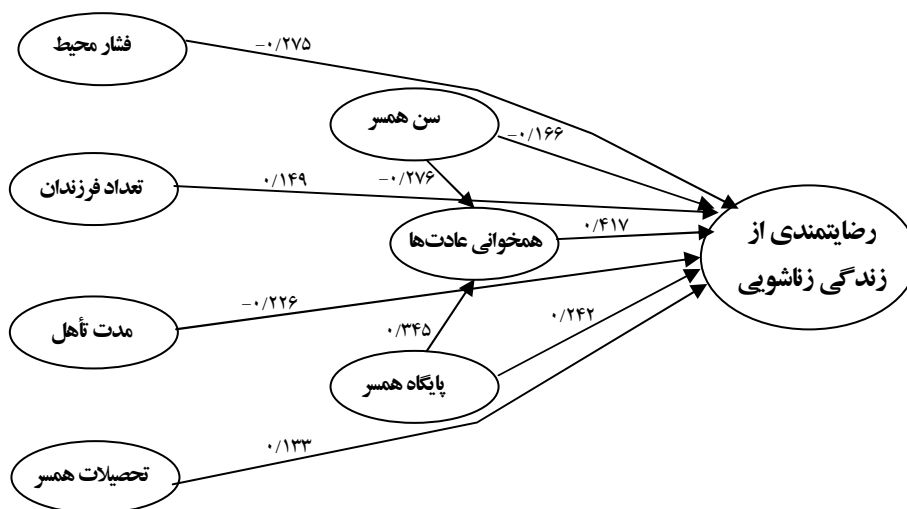
با ملاحظه مقادیر ضرایب رگرسیونی (B) و ضرایب استاندارد شده (Beta) در تحلیل‌های رگرسیونی انجام شده، نتایج زیر قابل ذکر هستند:

۱. متغیر وابسته اصلی رضایتمندی از زندگی زناشویی می باشد که با متغیرهای همخوانی عادت‌ها، فشار محیط، ادراک از پایگاه همسر در هنگام ازدواج، تعداد فرزند و تحصیلات همسر، سن همسر و مدت زمان زندگی مشترک همبستگی معنی داری دارد.

۲. متغیر همخوانی عادت‌ها، همبستگی معنی داری با سن همسر و ادراک از پایگاه همسر در هنگام ازدواج دارد.

بنابراین با اطلاعات به دست آمده یاد شده، می توان دیاگرام مسیر را به صورت زیر رسم نمود. لازم به ذکر است که هیچ یک از ضرایب مسیر کمتر از ۰/۰۵ نمی باشد. لذا همه آن‌ها را در دیاگرام وارد نموده ایم. مقدار واریانس برآورد شده توسط مدل نیز ۰/۴۹۱ می باشد که نشانگر تعداد فرزندان است که مدل از کارایی نسبتاً خوبی برخوردار است.

نمودار تحلیل مسیر تحقیق



پیشنهادها

در سال‌های گذشته موضوع ازدواج به واسطه تغییر و تحولات وسیعی که در جامعه و خانواده امروزی صورت گرفته است، از اهمیت خاصی برخوردار شده است و تحقیقات و مطالعاتی فراوانی در این زمینه انجام گردیده است، اما با مطالعه این پژوهش‌ها و تحقیق حاضر، مطالبی مشهود است که در زیر به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. به نظر می‌رسد که در انجام مطالعات صورت گرفته، جامع‌نگری و تمامیت مد نظر قرار نگرفته و یا از اهمیت زیادی برخوردار نبوده است، لذا پرداختن به مطالعاتی که عوامل بیشتری را با جامعیت مد نظر داشته باشند، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

۲. انجام چنین تحقیقاتی مستلزم توجه به عامل زمانی است. توضیح این که با گذشت زمان و با تغییراتی که در جوامع امروزی صورت می‌گیرد، ضروری به نظر می‌رسد که میان تحقیقات انجام شده توجه به شرایط فعلی جامعه لحاظ شود.

۳. تحقیقات مورد نظر در صورتی می‌توانند مثمر‌تر باشند که در تداوم با هم صورت گرفته باشند.

۴. نهادها و افراد مسؤل در زمینه ازدواج باید که در تشویق افراد جامعه به ازدواجی توأم با واقعیت‌های زندگی زناشویی با برنامه‌ریزی مؤثر نقشی فعال داشته باشند.

۵. خانواده‌ها و به‌ویژه والدین باید تمامی تجربیات زندگی خود را با درک متقابل نسبت به فرزندان، به آن‌ها منتقل کنند تا آن‌ها با دیدی واقع‌بینانه پا به عرصه زندگی و ازدواج بگذارند.

۶. می‌توان بر مبنای نتایج به دست آمده، دورنمایی از رضایتمندی از زندگی زناشویی را به دست آورد. به عبارت دیگر مطابق با نتایج تحقیق می‌توان اذعان داشت که علل و انگیزه‌های نیاز به انتخاب همسر، رسیدن به تکامل شخصیتی، نحوه ادراک از پایگاه خود در هنگام ازدواج، نحوه ادراک از پایگاه همسر خود در هنگام ازدواج و سن همسر و همخوانی عادت‌ها می‌توانند رضایتمندی از زندگی زناشویی را دستخوش تغییر سازند. پس بر مسؤلان امر و بر والدین و نیز بر خود افرادی که قصد ازدواج دارند توجه به این موارد مهم تر قلمداد می‌شود. توجه به رفع نیازهای احترام نزد همسالان و توسعه شبکه خویشاوندی و رفع غرایز جنسی در روش صحیح آن، نیز دقت در باایمان بودن همسر و نقش عوامل معنوی و

فاکتورهایی چون مسؤولیت پذیری با ازدواج باید که مد نظر باشند. در این بین آن چه که بسیار مهم به نظر رسیده، مسئله همخوانی آداب و رسوم و آرزوها و شیوه رفتار یکسان زوجین با همدیگر است. عامل آماده بودن فرد از نظر ملاک‌های شغل و درآمد و تحصیلات نیز اهمیت بالایی داشته است. همچنین نحوه ادراک فرد از ملاک‌های فوق در نزد همسرش نیز مهم می‌باشند. اگر فرد در همان شروع زندگی از شغل و درآمد و تحصیلات همسرش در کی مناسب بیاید، مسلماً در مراحل بعدی زندگی خود توقعات آن چنانی را از شریک زندگی خود نخواهد داشت. سن همسر نیز نبایستی که از حد عرف آن بدور باشد.

۷. بنظر رسیده که توجه زیاد به همسانی از نظر تحصیلات و سن و مذهب و هم‌محل‌ای بودن به عنوان عاملی سلبی و جبری در ازدواج عمل می‌نماید. همسانی انتخاب همسر با توجه به عوامل فوق از دیرباز مورد توجه خانواده و فرد قرار داشته است. اما در این تحقیق ملاحظه گردید که توجه بیش از حد به این موارد نتایج خوشایندی را برای فرد به ارمغان نخواهد آورد. به این مسئله باید از منظر تغییرات صورت گرفته در جامعه امروزی ایران با دقت بیشتری نگریست. از جمله این تغییرات افزایش قبولی دختران در دانشگاه‌ها و افزایش سطح آگاهی‌ها و توقعات این قشر از جامعه است که به همان نسبت دیگر به خود اجازه ازدواج با افراد غیر همسازان را نمی‌دهند. لذا در انتخاب همسر، اگر ملاک‌های همسان‌همسری مورد نظر در تحقیق را داشته باشند، مسلماً با مشکلاتی روبرو خواهند بود. همسان‌همسری در تحقیق حاضر پس از تحلیل عوامل در زمره علل و انگیزه‌های جبری قرار گرفت که شخص را در هنگام ازدواج با نوعی فشار و جبر روبرو می‌کند و رابطه این جبر با رضایتمندی منفی بوده است. البته این بدان معنی نیست که اگر فردی که مثلاً می‌خواهد با فرد دیگری که مثل او مدرک دکتری دارد، ازدواج کند، در آینده با مشکلاتی از نظر رضایتمندی با همسرش روبرو خواهد شد، بلکه ظاهراً توجه زیاد به فعلیت حتمی این امر با توجه به محدودیت عوامل دیگر (از جمله گذشتن سن ازدواج) بر فرد نوعی فشار را تحمیل خواهد ساخت که عاقبت آن ناخوش است.

۸. در پایان به نظر می‌رسد که قاعده زیر را می‌توان به عنوان یک اصل بنیادین و معیاری اساسی برای گزینش همسر مناسب و ایده‌آل پیشنهاد کرد: «کسی را به عنوان همسر خود انتخاب کنیم که به ما شبیه

باشد». به عبارت دیگر «در انتخاب همسر آن چه که مهم است، این است که شخص کسی را انتخاب نماید که با آن چه در سر او می گذرد، تناسب داشته باشد».

فهرست منابع

- اسکافی، مریم (۱۳۸۰): «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش افراد متأهل نسبت به همسان‌همسری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲): «تفکر نظری در جامعه‌شناسی»، ترجمه محمد مقدس و دیگران، تهران، انتشارات سفیر.
- ایمانیان اردبیلی، مسعود (۱۳۷۶): «سنجش نگرش پسران مجرد ۲۹-۲۰ سال شهرستان مشهد به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۱): «جوانان و ازدواج»، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی.
- حق دوست، علی اکبر و دیگران (۱۳۷۴): «بررسی دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی پیرامون عوامل مؤثر بر ازدواج»، مجله اندیشه و رفتار، شماره ۳، ۲۹-۲۰.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸ الف): «آنا تومی جامعه»، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۷۸ ب): «آنا تومی یا آشفتنگی اجتماعی»، تهران، انتشارات سروش.
- ریو، جان مارشال (۱۳۸۱): «انگیزش و هیجان»، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، انتشارات ویرایش.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰): «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده»، تهران، انتشارات سروش.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۹): «روانشناسی اجتماعی»، تهران، انتشارات آوای نور.
- فیض آبادی، لیلا (۱۳۷۸): «بررسی تمایز بین آرمان‌های زناشویی به هنگام ازدواج و واقعیت و کنکاش پیرامون علل و عوامل آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- گرث، هانس و سی رایت میلز (۱۳۸۰): «منش فرد و ساختار اجتماعی»، ترجمه اکبر افسری، تهران، انتشارات آگاه.
- گود، ویلیام جی (۱۳۵۲): «خانواده و جامعه»، ترجمه ویدا ناصحی، تهران، انتشارات کتاب.
- محسنی، منوچهر و پرویز صالحی (۱۳۸۲): «رضایت اجتماعی در ایران»، تهران، انتشارات آرون.
- مرادی، غلامعلی (۱۳۸۳): «بررسی تأثیر اشتغال زنان بر میزان رضایتمندی از زندگی خانوادگی شهر بیرجند»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۳): «زندگی و عادت‌های مشترک»، روزنامه جام‌جم، سال ۶، شماره ۱۴۸۵: ۱۲.
- منصورفر، کریم (۱۳۸۵): «روش‌های پیشرفته آماری همراه با برنامه‌های کامپیوتری»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

مهدوی، محمدصادق (۱۳۷۵): *عوامل مؤثر بر رضایت زن و شوهر*، تهران، انتشارات مبتکران.
 هرسی، پاول و بلانچارد، کنت (۱۳۷۳): *مدیریت رفتار سازمانی در استفاده از منابع انسانی*، ترجمه علی علاقه‌بند، تهران، انتشارات امیرکبیر.

Arthur JN and Miller L. (۱۹۹۲): *marriage, divorce and remarriage in the 1990's current population report and special studies*, Washington D.C. U.S Bureau of the sensus.

Krich, Aron. (۱۹۶۹): *facts of hove and marriage for young people, usa, dell.*

O'Neill, Nena & George. (۱۹۷۲): *open marriage, newyork.*

Gupta, Giri Raj. (۱۹۷۶): *love, Arranged Marriage and the Indian social structure*, journal of comparative family studies^۷(۱): ۷۵-۸۵.

مشخصات نویسندگان

محمد مظلوم خراسانی، دارای دکترای جامعه‌شناسی از آلمان و دانشیار جامعه‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد است. علائق پژوهشی او جامعه‌شناسی سیاسی و توسعه و مسایل اجتماعی ایران است.
 نشانی: گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

Email: mazloom@um.ac.ir

مهدی قناد، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد است.

Email: mehdi_ghannadzadeh@yahoo.com